

### عامل و معمول :

کلمه ای را تأثیر گذارنده (روی کلمات دیگر) است را **عامل** و کلمه ای که تأثیر پذیر است را **معمول** می گویند؛  
مانند : **ذَهَبَ الْحُسَيْنُ (ذَهَبَ = عامل - الْحُسَيْنُ = معمول)**

### تعریف معرب :

کلمه ای است که آخرش به سبب اختلاف عوامل تغییر می کند؛ مانند : **ذَهَبَ الْحُسَيْنُ . رَأَيْتُ الْحُسَيْنَ وَ ذَهَبْتُ بِالْحُسَيْنِ .**

### تعریف مبنی :

کلمه ای است که آخرش به سبب اختلاف عوامل تغییر نمی کند؛ مانند : **ذَهَبَ الَّذِينَ . رَأَيْتُ الَّذِينَ وَ ذَهَبْتُ بِاللَّذِينَ .**

### تعریف إعراب :

به اثری که به در خواست عامل، در آخر کلمه به وجود می آید **إعراب** می گویند؛ مانند : **جَاءَ عَلِيٌّ .** به رفع لفظ **علي** یعنی **(عُ)** إعراب گفته می شود.

### تعریف بناء :

کیفیتی است در کلمه که به در خواست عامل ایجاد نشده و سبب می شود که حرف آخر کلمه، به سبب اختلاف عوامل تغییر نکند؛ مانند : **ذَهَبَ الَّذِينَ .**

### إعراب و بناء در اسم، فعل و حرف :

**اسم** : هم معرب دارد و هم مبنی .

**فعل** : فعل ماضی و امر **مبنی** هستند ولی فعل مضارع **معرب** است به جز صیغه های **۶** و **۱۲** که مبنی اند .

**حرف** : دائماً **مبنی** است .